

مقدمہ کیمبرج بر

ساموئل بکت

رائن مک دانلد
مترجم: قاسم مؤمنی



۱۳۹۷

سرشناسه: مک دونالد، رونان. ۱۹۷۰ - م. McDonald, Ronan
 عنوان و نام پدیدآور: ساموئل بکت / رانن مک دانلد؛ مترجم: قاسم مؤمنی.
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: بیست، ۲۱۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۶۰۷-۶
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا
 یادداشت: عنوان اصلی: The Cambridge introduction to Samuel Beckett.
 موضوع: بکت، ساموئل، ۱۹۰۶ - ۱۹۸۹ م. - نقد و تفسیر
 موضوع: Beckett, Samuel - Criticism and Interpretation
 شناسه افزوده: مؤمنی، قاسم، ۱۳۶۱ - . مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ی ۸۷ ک ۳ / PQ ۲۶۰۶
 رده بندی دیویی: ۸۴۲/۹۱۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۷۸۹۷۳

ساموئل بکت

نویسنده: رانن مک دانلد

مترجم: قاسم مؤمنی

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حرافچینی و آمار سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
 لیتوگرافی، چاپ و صفحه بندی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیه
 حق چاپ مه فوظ است.

CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS

This is an authorised translation of *The Cambridge Introduction to Samuel Beckett*
 © Ronan McDonald 2006



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کم)، کوچه نمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۷۶۹ - ۸۱۷۷

فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴

www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

www.farhangishop.com

آدرس اینترنتی:

وبسایت فروش آنلاین:

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۷۲؛

تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰-۳

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه

محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

نه	سپاسگزاری
یازده	یادداشتی دربارهٔ نسخه آثار اسلامی
یازده	داستان‌ها
یازده	آثار نمایشی
دوازده	نقدها و آثار گوناگون
سیزده	مقدمه
۱	فصل اول: زندگی بکت
۲۵	فصل دوم: زمینه‌های فکری و فرهنگی
۳۹	فصل سوم: نمایش‌نامه‌ها
۳۹	در انتظار گودو
۶۱	دست آخر
۷۴	نمایش‌نامه‌های رادیویی
۷۶	همه افتادگان
۸۲	اخگرها
۸۶	آخرین نوار کراپ
۹۶	روزهای خوش

۱۰۷	فصل چهارم: آثار منشور
۱۰۷	های بیش از هوی
۱۱۲	مرفی
۱۲۳	وات
۱۳۴	تریلوژی
۱۳۸	مالوی
۱۵۰	مالون می میرد
۱۵۸	نام ناپذیر
۱۶۷	چنین است
۱۷۹	فصل پنجم: عدد بکت
۱۹۷	یادداشت‌ها
۲۰۵	راهنمای مطالعه
۲۰۵	زندگی‌نامه
۲۰۶	کتابنامه
۲۰۷	پژوهش‌های دانشگاهی و انتقادی

مقدمه

«هرگز نمی‌توانم مقدمه‌ای انتقادی بر آثار خودم بنویسم».[۱]

ساموئل بکت هنوز پس از گذشت سال‌ها از زمان مرگش، یکی از بزرگان ادبیات و تئاتر قرن بیستم است. «دسر بزرگ‌تر برای منتقدانش این است که او یکی از توانمندترین مسطوره‌های ادبی قرن اخیر نیز هست. او نیز مانند بسیاری از «مدرنیست‌ها» دشت رنوبسی و ابهام شهره است؛ ولی آثار او در عین این ویژگی، به شکل منحصر به فردی در فرهنگ ما رخنه کرده است. صفت «بکتی» را کسانی به کار می‌برند که شاید حتی او را درست نمی‌شناسند و منظور از آن، نگرشی سرد و لگرب‌زندگی با رنگ‌مایه‌ای از طنز تلخ است: دو ولگرد بیکار در صحنه‌های بی‌پایان نومیدانه به انتظار هیچ؛ زوج پیر و بی‌پایی که از درون بشکوه اشغال بیرون را دید می‌زنند؛ راویان سال‌خورده‌ای که آخرین پرت‌وپلاهای نامفهوم خود را زمزمه می‌کنند. بکت کم‌گو و گزیده‌گوست و بی‌رحمانه لب و مغز همه چیز را می‌شکافد و بر ملا می‌کند.

یکی از دلایلی که تصاویر بکتی تا این حد در فرهنگ عامه نفوذ کرده، تأثیر بی‌همتای آن بر تئاتر پس از جنگ است. صحنه‌های آثار

او وجهی ملموس و بصری دارند که در آثار شاعران و رمان‌نویسان مدرنیست نمی‌بینیم. صحنهٔ عریان نمایش‌نامه‌های او را بسیار آسان‌تر از ویرانکده‌های شهرها در آثار شاعران مدرن می‌توان در ذهن تصور کرد. به علاوه نمایش‌نامه‌های او چنان از روشنفکرنمایی و فضل‌فروشی به دورند که برخی از آن‌ها در زمرة رپرتوار تئاترها وارد نشده‌اند. «اسطوره» یا «نشان ویژه» بکت از دو پدیدهٔ هم‌پسته ناشی می‌شود: یکی آنکه بکت هیچ توضیحی به آثارش نمی‌افزاید و تأکید می‌کند «معنای آن‌ها همانی است که خود می‌گویند» و دیگری اصرار او به ماندن در انزوا (و خلوت او از شهرت چنان بود که همسرش با شنیدن خبر جایزهٔ نوبل آبیات سال ۱۹۶۹ گفت «چه فاجعه‌ای!») البته امید مذبوحانه‌ای بود که انتظار داشته باشد سکوتش به تمام گمانه‌زنی‌ها دربارهٔ «آدمی» که این آثار را نوشته است، خاتمه دهد. سکوت فقط به هالهٔ رمزآلودی که پیرامونش شکر گرم بود دامن می‌زد و از او هنرمندی قدیس می‌ساخت که گویی به خرافات‌های شنیع تن نمی‌دهد یا از بازار خودفروشی گریزان است.

به علاوه مشخص نبودن زمان و مکان نمایش‌نامه‌های او و صحنه‌های عاری از هر ویژگی تاریخی و جغرافیایی باعث شد به ویژه نخستین منتقدانش به این نتیجه برسند که آثار او خصایل جهان‌شمول دارد و گویای امری بنیادین و فراتاریخی دربارهٔ زندگی و وجود انسان است. نمایش‌نامه‌های او در کجا می‌گذرد و این راوی‌های بی‌نام و نشان کیستند؟ نامشخص بودن هویت را به خصلت سرنمونی و بنیادین آن‌ها تأویل کردند. گویی این صحنه‌های عریان و اشخاص بی‌نام، دلالت‌های موجزی به همه جا و همه کس بود. طبق روال دههٔ پنجاه و «اگزیستانسیالیسم» رایج زمانه، آثار او را راوی سردی و بی‌روحی وجود آدمی می‌انگاشتند.

از سویی او را زبان حال وضع «بی‌زمان» بشر می‌دانند و هم زمان

بر عکس، او را به عنوان راوی حقیقی دنیای ویران پس از جنگ می‌ستایند. شخصیت‌های اسکلت‌وار و صحنه‌های بی‌چیز نمایش‌ها و راویان فرتوت و گم‌گشته و پرتب‌وتاب رمان‌های او را بیان هنرمندانه دنیایی محروم از امید و خدا و اخلاق و ارزش می‌دانند که حتی تسکینی برای از دست رفتن نفس نیز در آن نیست. با اینکه ثودور آدورنو هر گونه هنر پس از آشویتز را ناممکن می‌داند، شاید در عسرت قرن بیستم، بکت را بتوان سرآمد هنرمندان دانست.

گاه بکت را قدیس بی‌دین دوران خودش یا تمام دوران‌ها می‌نامند. رنوشته‌های او را، اگرچه گاه مبهم، همواره عمیق و ژرف‌اندیش می‌دانند. هرچه که ای خود او نیز به حق وارد شمایل‌نگاری مدرن شده است. در آن نویسنده‌گان پس از جنگ، کسی نیست که چهره او تا این حد در قیاس با سایر نویسندگان مشهور باشد؛ البته منظور ما چهره نحیف و استخوانی و پرچین‌زهر که بکت سال‌خورده با آن موهای کوتاه و خاکستری و آن بینی دراز و منقارمانند و مهم‌تر از همه، چشمان نافذ آبی (به سان مرغ دریایی) است. صاحب این‌جاست که علاقه به عکس در عین امتناع از مصاحبه، او را به یکی از مشهورترین گوشه‌نشینان عالم بدل کرده است.

از سوی دیگر، خیل عظیم پیروان، مقلدان و دستداران نیز به ستایش او مشغول‌اند و بر خلاف دیگر نویسندگان، نه تنها پس از مرگ از محبوبیت او کاسته نشده، بلکه حتی از طوفان نقادان علیه نویسندگان مدرنیست در سال‌های اخیر نیز مصون مانده است. بکت از فعالان نهضت مقاومت فرانسه و از مخالفان تمامیت‌خواه بود و به همین دلیل نکوهش‌هایی که به سبب یهودستیزی یا ارتجاع سیاسی، نثار دیگر نویسندگان مدرنیست کردند، متوجه او نشد. خواننده امروزی باید از اسطوره انگاشتن بکت، ترسیم‌هاله تقدس هنری گرد او و انتساب او به حقیقت ناب بر حذر باشد بکت خواندن، درست مانند شکسپیر

خواندن (در عین تمام تفاوت‌های این دو)، درافتادن با شبکه پیچیده‌ای از دلالت‌های فرهنگی و اعتبار ادبی است.

در کتاب حاضر می‌کوشم به دانشجویان، تماشاگران تئاتر و هر خواننده عادی کمک کنم تا درباره بکت و آثار او نقادانه بیندیشند. در عین حال، به جای آنکه صرفاً پاسخی برای پرسش‌ها پیش‌بنهم، می‌کوشم پرسش‌های درستی طرح کنم. مواجهه درست با نمایش‌نامه‌ها و رمان‌های بکت الزاماً به معنای «مرزگشایی» از آن‌ها و کشف معانی پنهان آن‌ها نیست. بلکه باید به چالشی پرداخت که این آثار در مقابل خواندن، دیدن و تفسیر پیش می‌نهند. نمایش‌نامه‌ها و داستان‌های بکت در عین زیبایی و خوش ساختن مضامین دشواری دارند. خواننده یا تماشاگر غالباً نه به دلیل ایده‌های نهفته در آثار بکت یا نگرش آن‌ها به زندگی، بلکه به سبب لحن منحصر به فرد و گیرای آن‌ها، روی صحنه یا در نوشته، به سمت آن‌ها جذب می‌شود. بکت بیش از آنکه در قلمرو معنای ممکن اثر باشد، به فرم و کیفیت زیبایی‌شناسانه آن رجوع می‌کند. در جایی می‌گوید: «کلیدواژه نمایش‌نامه‌های من 'شاید' است» [۲]. در یکی از نخستین نوشته‌های انتقادی‌اش درباره جیمز جویس، به خطابه هشدار می‌دهد که «خطر اصلی درست در شناسایی ناب است» (۱۹۷۹). این هشدار باید همچنان آویزه گوش ما باشد.

سعی خواهم کرد با خواندن تک‌تک متن‌ها بکت نه فقط ابهام و دشواری متن را تا حد ممکن برطرف کنم، بلکه نحوه کارکرد زیبایی‌شناسی متن را نیز بنمایانم. هرچند گهگاه به مرجع کنایه‌ها و توضیح معنای متن نیز اشاره‌ای می‌کنم، هدف اصلی کتاب حاضر، تفسیر و حاشیه‌نویسی نیست. از آنجا که بناست کتاب حاضر مقدمه‌ای برای آشنایی با بکت باشد، ارجاعات آن به نقدهای دیگران و منابع فرعی بسیار مختصر است و به ارائه خلاصه‌ای از نقدهای مختلف در فصل پنجم بسنده کرده‌ام.